

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



معاونت پژوهش و فن آوری

به نام خدا

مشور اخلاق پژوهش

بایاری از خداوند سبحان و اعتقاد به این که عالم محضر خداست و همواره ناظر بر اعمال انسان و به منظور پاس داشت مقام بلند دانش و پژوهش و نظریه به اهمیت جایگاه دانشگاه در اعتلای فرهنگ و تمدن بشری، مادیان و اعضای هیئت علمی و احداثی دانشگاه آزاد اسلامی متعهد می گردیم اصول زیر را در انجام فعالیت های پژوهشی مد نظر قرار داده و از آن تخطی نکنیم:

- ۱- اصل حقیقت جویی: تلاش در راستای پی جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از هرگونه پنهان سازی حقیقت.
- ۲- اصل رعایت حقوق: التزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهشیدگان (انسان، حیوان و نبات) و سایر صاحبان حق.
- ۳- اصل مالکیت مادی و معنوی: تعهد به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه همکاران پژوهش.
- ۴- اصل منافع ملی: تعهد به رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن پیشبرد و توسعه کشور در کلیه مراحل پژوهش.
- ۵- اصل رعایت انصاف و امانت: تعهد به اجتناب از هرگونه جانب داری غیر علمی و حفاظت از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار.
- ۶- اصل رازداری: تعهد به صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد، سازمان ها و کشور و کلیه افراد و نهاد های مرتبط با تحقیق.
- ۷- اصل احترام: تعهد به رعایت حریم ها و حرمت ها در انجام تحقیقات و رعایت جانب تقد و خودداری از هرگونه حرمت شکنی.
- ۸- اصل ترویج: تعهد به رواج دانش و اشاعه نتایج تحقیقات و انتقال آن به همکاران علمی و دانشجویان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.
- ۹- اصل برائت: التزام به برائت جویی از هرگونه رفتار غیر حرفه ای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به شائبه های غیر علمی می

آلیند.



معاونت پژوهش و فن آوری

به نام خدا

تعمد اصالت رساله پایان نامه تحصیلی

اینجانب مهدیه نظری دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد رشته مشاوره خانواده که در تاریخ ۹۲/۸/۲۶ از پایان نامه خود تحت عنوان رابطه سبک‌های دل‌بستگی با تعارضات زناشویی با واسطه‌گری متغیرهای جمعیت‌شناختی با کسب نمره ۱۷/۹۹ دفاع نموده‌ام بدینوسیله متعهد می‌شوم:

- ۱) این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و...) استفاده نموده‌ام، مطابق ضوابط و رویه موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آنرا در فهرست مربوطه ذکر و درج کرده‌ام.
- ۲) این پایان نامه قبلاً برای هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.
- ۳) چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره‌برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و... از پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.
- ۴) چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را می‌پذیرم و دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام، هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی: مهدیه نظری

تاریخ و امضاء: ۹۲/۸/۲۶



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد مرودشت
دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی
گروه مشاوره

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M . A) در رشته مشاوره خانواده

عنوان :

**رابطه سبک های دلبستگی با تعارضات زناشویی با واسطه گری متغیرهای جمعیت شناختی در زوجین مراجعه کننده
به مراکز مشاوره شهر شیراز**

استاد راهنما :

دکتر ژاله رفاهی

استاد مشاور :

دکتر نازنین هنرپروران

نگارش :

مهدیه نظری

پاییز ۱۳۹۲



صورتجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد (M.A)

نام و نام خانوادگی دانشجو: مهدیه نظری در تاریخ ۹۲/۸/۲۶ رشته: مشاوره خانواده

از پایان نامه خود با عنوان: رابطه سبک های دلبستگی با تعارضات زناشویی با واسطه گری

متغیرهای جمعیت شناختی در زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر شیراز

با درجه ونمره ۱۷/۹۹ دفاع نموده است.

نام و نام خانوادگی اعضای هیات داوری سمت امضاء اعضای هیات داوری

۱- ژاله رفاهی استاد راهنما

۲- نازنین هنرپروران استاد مشاور

۳- زهرا قادری استاد داور

مراتب فوق مورد تایید است.

مدیر معاونت پژوهشی

مهر و امضاء

سپاسگزاری :

ای خداوند هستی بخش ، وجود مرا بر نعمات بی کرانت توان شکرگفتن نیست ، ذره ذره وجودم برای تو و نزدیک شدن به تو می تپد . الهی مرا مدد کن تا دانش اندکم نه نردبانی باشد برای فزونی تکبر و غرور، نه حلقه ای برای اسارت و نه دست مایه ای برای تجارت ، بلکه گامی باشد برای تجلیل از تو و متعالی ساختن زندگی خود و دیگران .

حال که توفیق جمع آوری و تهیه این مجموعه را یافته ام برخورد واجب می دانم از تمامی عزیزانی که در طی انجام این پژوهش از راهنمایی و یاری شان بهره مند گشته ام تشکر و قدردانی کنم .

ابتدا از استاد راهنمای ارجمندم سرکارخانم دکتر رفاهی که با سعه ی صدر و صبوری مرا راهنمایی نموده و با ارائه نظرات سازنده و رهنمودهای بی دریغشان در پیشبرد این پایان نامه مرا یاری کرده اند کمال تشکر را دارم .

همچنین از استاد مشاور عزیزم سرکارخانم دکتر هنرپروران که مشاوره های ایشان همانند چراغی در دل تاریکی فرا راهم بود و مرا در تهیه و تدوین این پایان نامه یاری کردند کمال تشکر را دارم .

همچنین از داور محترم سرکار خانم دکتر قادری که زحمت بازخوانی و داوری این مجموعه را به عهده داشتند، صمیمانه تشکر و قدردانی می نمایم .

همچنین تشکر و قدردانی می کنم از تلاش های همسر عزیزم . او که مسیح وار با صبرش در تمامی لحظات رفیق راهم بود و در سایه همیاری و همدلی اش به این موفقیت نائل شدم .

و در انتها صمیمانه ترین تقدیرها را تقدیم به خانواده عزیزم خصوصاً پدر و مادر مهربانم می کنم . آنان که وجودم برایشان همه رنج بود و وجودشان برایم همه مهر. توانشان رفت تا رویم سپید بماند، آنان که فروغ نگاهشان ، گرمی کلامشان و روشنی رویشان سرمایه های جاودانه زندگی من است. آنان که راستی قائم در شکستگی قامتشان تجلی یافت . در برابر وجود گرامیشان زانوی ادب بر زمین می نهم و با دلی ملامال از عشق و محبت بر دستانشان بوسه میزنم.

تقدیم به :

تقدیم به همسر ، اسطوره زندگی ، پناه خستگی ام و امید بودم ، به پاس مهربانی ها و فداکاری ها و صبوری هایش.

تقدیم به غنچه زندگی ام ، نیایش که با قدمهای کوچک اما قلبی لبریز از محبت مادرش را درانجام این پایان نامه همراهی کرد .

تقدیم به پدر و مادر مهربانم که با تلاش و صبری ستودنی زمینه فراغ بال و آسایش مرا درطول دوره تحصیل فراهم نمودند و در تمام عرصه های زندگی یار و یابوری بی چشم داشت برای من بودند .

تقدیم به خواهرانم ، که همواره در طول تحصیل متحمل زحماتم بودند و تکیه گاه من در مواجهه با مشکلات و وجودشان مایه دلگرمی من بود .

تقدیم به برادرم : که وجودش شادی بخش و صفایش مایه آرامش من است .

فهرست مطالب

عنوان صفحه

۱	چکیده
فصل اول : کلیات پژوهش	
۳	مقدمه
۴	بیان مسأله
۹	اهمیت و ضرورت
۱۰	اهداف پژوهش
۱۰	سوالات پژوهش
۱۱	تعاریف متغیرها

فصل دوم : مروری بر ادبیات و پیشینه پژوهش

۱۵	مقدمه:
۱۵	الف : پیشینه نظری
۱۵	دلستگی:
۲۵	متغیرهای جمعیت شناختی:
۳۲	تعارضات زناشویی
۴۷	پیشینه پژوهشی :
۴۷	تحقیقات انجام شده در خارج کشور:
۴۸	تحقیقات انجام شده در داخل کشور:
۵۱	جمع بندی:

فصل سوم : روش اجرای پژوهش

۵۳	مقدمه
۵۳	طرح پژوهش
۵۳	جامعه آماری
۵۳	نمونه آماری و روش نمونه گیری
۵۴	ویژگی های جمعیت شناختی نمونه

۵۴	-----	ابزار جمع آوری داده ها
۵۹	-----	روش اجرای پژوهش
۵۹	-----	روش تجزیه و تحلیل آماری داده ها
۵۹	-----	ملاحظات اخلاقی

فصل چهارم : تجزیه و تحلیل داده ها :

۶۱	-----	مقدمه
۶۱	-----	یافته های توصیفی
۶۳	-----	یافته های مربوط به آزمون فرضیه های تحقیق
۶۳	-----	ارزیابی الگوی پیشنهادی
۶۶	-----	یافته های مربوط به فرضیه های الگوی اصلی پیشنهادی

فصل پنجم : نتیجه گیری و پیشنهادات:

۷۰	-----	خلاصه پژوهش
۷۱	-----	تبیین فرضیه ها
۷۵	-----	تبیین مدل پیشنهادی
۷۶	-----	محدودیت های پژوهش
۷۶	-----	پیشنهاد های کاربردی
۷۶	-----	پیشنهاد های پژوهشی
۷۷	-----	فهرست منابع فارسی
۸۵	-----	فهرست منابع انگلیسی
۸۸	-----	پیوست ها
۹۵	-----	چکیده انگلیسی

فهرست جداول

عنوان شماره صفحه

۵۴	جدول ۱-۳ - نمایش فراوانی و درصد ویژگی های جمعیت شناختی گروه نمونه
۵۶	جدول ۲-۳ - میزان آلفای کرونباخ پرسشنامه سبک دلبستگی
۶۱	جدول ۱-۴ - میانگین، انحراف استاندارد، کمترین و بیشترین نمره های شرکت کنندگان در متغیرهای پژوهش
۶۲	جدول ۲-۴ - ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش
۶۴	جدول ۳-۴ - برازش الگوهای پیشنهادی با داده ها بر اساس شاخص های برازندگی
۶۵	جدول ۴-۴ - الگوی ساختاری : مسیرهای مستقیم و ضرایب استاندارد آنها در الگوی پیشنهادی
۶۶	جدول ۵-۴ - الگوی ساختاری : مسیرهای غیرمستقیم و ضرایب استاندارد آنها در الگوی پیشنهادی

فهرست نمودارها

عنوان شماره صفحه

نمودار ۴-۱ - الگوی فرضی رابطه سبک های دلبستگی و تعارضات زناشویی با واسطه گری

۶۴

سن و تحصیلات

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین رابطه سبک های دلبستگی با تعارضات زناشویی با واسطه گری متغیرهای جمعیت شناختی انجام شده است. آزمودنی های نمونه پژوهش شامل ۱۵۰ زوج از ۸۰۰ زوج متقاضی مشاوره بودند که به شیوه نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه ۵۴ سوالی تعارضات زناشویی و همچنین پرسشنامه ۱۸ سوالی سبک های دلبستگی بزرگسالان کولینزورید و پرسشنامه جمعیت شناختی استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده های بدست آمده از نرم افزار آماری Amos و spss18 استفاده گردید. یافته های بدست آمده از نتایج پژوهش نشان داد که متغیرهای جمعیت شناختی (سن، تحصیلات) نقش واسطه رادربین سبک های دلبستگی با تعارضات زناشویی دارا می باشد.

کلید واژه ها: سبک های دلبستگی، تعارضات زناشویی، متغیرهای جمعیت شناختی

فصل اول

کلیات پژوهش

مقدمه

تشکیل خانواده با ازدواج آغاز می شود. خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی، به وجودآورنده جامعه بنیادی و اساسی بشریت است. دو نفر که از لحاظ جنسیت با هم متفاوت هستند متقابلاً به وسیله نیروی مرموز غریزه و عشق به همدیگر جذب شده و به طور کامل به همدیگر متعهد می شوند، تا یک واحد پویای مولد را تشکیل دهند. ازدواج در جامعه متغیرامروزی یک پدیده پیچیده است. انسانها به دلایل مختلفی ازدواج می کنند. درکنار تمایلات جنسی، که مسائل اولیه هستند، عشق، امنیت اقتصادی، مجالست، محافظت، امنیت عاطفی، فرار از تنهایی، علائق مشترک و داشتن فرزند، بعضی از عواملی هستند که می توانند باعث گرایش یک شخص به ازدواج شوند (جانیتوس^۱، ۲۰۰۴).

حال با شکل گیری این پیوند هنگامی که دو نفر به عنوان زن و شوهر با یکدیگر زندگی می کنند تعارض^۲ خواه، ناخواه به وجود می آید. در تعامل های بسیار طبیعی زن و شوهر، مواقعی است که اختلاف هایی به وجود می آید و یا نیازهایی برآورده نمی شود، در نتیجه هر دو شریک نسبت به هم احساس خشم، ناکامی، نارضایتی می کنند. بنابراین اگر تعارض به وجود می آید، زن و شوهر باید برای آن آماده شوند. این آمادگی باید نه تنها برحسب توانایی برقراری ارتباط موثر باشد، بلکه باید با توجه به انجام راهبرد حل مسأله به شیوه ساختاری، نظمی برای جلسات حل تعارض به وجود آید (برنشتاین و برنشتاین، ترجمه پورعابدی نائینی و منشئی، ۱۳۸۹).

بنابراین بروز تعارض در روابط انسانها با یکدیگر امری رایج و اجتناب ناپذیر است. تعارض پدیده ای که به موازات عشق در ارتباط زناشویی به وجود می آید. تعارض زمانی پیش می آید که اعمال یک فرد با اعمال فرد دیگر تداخل پیدا می کند، همچنان که دو فرد به یکدیگر نزدیک ترمی شوند نیروی تعارض افزایش پیدا می کند (شیری، ۱۳۸۷).

با افزایش تعارض در ارتباط های زوجی، ناسازگاری افزایش یافته، نارضایتی بیشتری حاصل می شود. به علاوه این مشکلات، از مقدمات طلاق محسوب می شود (لانگ و یانگ^۳، ۲۰۰۶).

^۱-Janetius

^۲- conflict

^۳-Long&yong

البته در ازدواج باید فرض را بر این گذاشت که بروز تعارض جزئی از رابطه زناشویی و زندگی مشترک با هرکسی است. پس باید زن و شوهر یاد بگیرند که تعارض های خود را حل کنند تا خوشبخت شوند. اگرچنین نکنند، ممکن است کار آنها به جدایی بکشد یا اینکه تعارض آن ها تا هنگام بزرگ شدن و رفتن فرزندان از خانه مسکوت و در حال کمون باقی بماند و عاقبت هم زن و شوهر بعد از سالها زندگی مشترک طلاق بگیرند (ثنایی ذاکر، ۱۳۷۸، به نقل از افخمی ۱۳۸۶).

شناخت عواملی که زمینه را برای بروز اختلافات زناشویی و جدایی زوج ها فراهم می کند، نقش مهمی در کاهش آمار طلاق در جامعه دارد و دانش روان شناختی با مطالعه و تحقیق در زمینه این عوامل و شرایط، موجبات کاهش و پیشگیری از این تعارضات را فراهم می سازد.

یکی از عواملی که در شکل گیری، تداوم و فروپاشی روابط زناشویی سهم عمده ای دارد سبک دلبستگی^۱ زوج ها می باشد. بنابراین نظریه دلبستگی چهارچوب مناسبی فراهم می کند که به فهم بهتر در روابط زناشویی و شیوه های مقابله با تعارض زوجین کمک می کند (کیمبرلی و باکر^۲، ۲۰۰۸).

همچنین برخی از عوامل جمعیت شناختی مانند سن، تحصیلات، شغل، مدت زمان ازدواج، وضعیت اجتماعی، اقتصادی نقش مهمی در تداوم و تداوم نداشتن زندگی زناشویی دارند (احمدی و رئیس پور، ۱۳۸۷).

در این پژوهش به بررسی رابطه سبک های دلبستگی با تعارضات زناشویی با واسطه گری متغیرهای جمعیت شناختی پرداخته خواهد شد.

بیان مساله

زندگی زناشویی یکی از جهانی ترین نهادهای بشری است که از دو نفر با توانایی ها و استعداد های متفاوت و با نیازها و علائق مختلف و در یک کلام با شخصیت های گوناگون تشکیل شده است (گلدنبرگ و گلدنبرگ^۳، ۲۰۰۲).

از نظر گلاسر^۴ (به نقل از پایکار، ۱۳۸۹) تعارض زناشویی ناشی از ناهماهنگی زن و شوهر در نوع نیازها و روش ارضای آن، خودمحوری، اختلاف در خواسته ها، طرحواره های رفتاری و رفتار غیرمسئولانه نسبت به ارتباط زناشویی ازدواج است.

فرآیند تعارض زمانی به وجود می آید که یکی از طرفین رابطه احساس کند طرف مقابلش بعضی از مسائل مورد علاقه او را سرکوب می کند (گریف و براین^۵، ۲۰۰۶).

^۱-attachment styles

^۲-Kimberly&Baker

^۳- Goldenberg

^۴- Glaser

^۵- Greeff&Bruyen

از دیدگاه (سکستون^۱ ، ۱۹۹۶ به نقل از قربانی ۱۳۸۴) تعارض هنگامی رخ می دهد که چیزی رضایت را برای شخص فراهم کرده در حالی که همان چیز برای دیگری محرومیت را به دنبال آورد. هر جا عدم توافق ، تفاوت یا ناسازگاری بین همسران وجود داشته باشد ، تعارض به وجود می آید . زوجین متعارض کسانی هستند که از عادات و شخصیت همسر خود ناراضی و دارای مشکل ارتباطی در حوزه های گوناگون هستند(فاورز و اولسون^۲ ، ۲۰۰۵).

تعارض زناشویی، ناشی از واکنش نسبت به تفاوت های فردی بوده و وقتی بروز می یابد که اعمال یکی از طرفین با اعمال طرف مقابل تداخل کند و زمانی که آنقدر شدت یابد که احساس خشم، خصومت، کینه ، نفرت، حسادت و سوء رفتار کلامی و فیزیکی در روابط آنان حاکم شود و به حالت ویرانگر درآید، حالتی غیر عادی است. همچنانکه دو فرد به هم نزدیک تر می شوند، پتانسیل تعارض افزایش می یابد. در حقیقت، وقتی تعاملات بین زوجین بیشتر می شود و فعالیت ها و موضوع های متنوع تری را در بر می گیرد، فرصت مخالفت بیشتر می شود. در این حالت، رفتار یک شخص با توقعات شخص دیگر جور در نمی آید (کالین و سیوک^۳، ۲۰۰۹).

هرکدام از صاحب نظران رویکرد ویژه ای به تعارض دارند. هرچند به طور کلی مفاهیم ناسازگاری ، عدم توافق ، ستیز و تقابل از عوامل اساسی تشکیل دهنده تعارض محسوب می شوند. این عدم توافق می تواند در زمینه دیدگاه ها ، ادراکات ، تمایلات ، رفتارها ، و عواطف و نیازها رخ دهد.

ترنر^۴ (۱۹۸۲ ، به نقل از ویکزوتریت^۵ ، ۲۰۰۵) اصطلاح بهره برداری از تعارض را عنوان می کند و آن را فرآیندی پویا و فعال در جهت استفاده زوج از تعارض و بسنده نکردن به حل مشکل تعریف می نماید. به نظر وی تعارض می تواند مثبت ، مولد و عامل رشد باشد.

هشت کارکرد مثبت تعارض عبارتند از:

۱- بهره گیری از انرژی به جای سرکوب آن.

۲- استفاده خلاقانه از تعارض در جهت رشد پرسش ها و آرای جدید.

۳- بر ملا شدن احساسات و افکاری که تاکنون مخفی مانده اند.

۴- خلق شیوه های نوین برای مدیریت تعارض توسط زوجین.

۵- ارزیابی مجدد قدرت در رابطه.

۶- خلق یک فضای جدید همکاری .

¹- Sexton

²-Fowers & Olson

³- Callian&Siewgeok

⁴-Terner

⁵-Weeks&Treat

۷- یادگیری و دیدی منطقی نسبت به مسائل

۸- مذاکره دوباره در مورد قراردادهای دیرین و تغییر انتظارات در رابطه (شیری، ۱۳۸۷).

در زمینه تاثیرات مخرب تعارض می توان به پیامدهای جسمی و روانی آن اشاره نمود. از لحاظ روانی، اکثر افراد تعارض در روابط را بی نهایت تنش زا تجربه می کنند (هالفورد^۱، ۲۰۰۶).

تعارض زناشویی با پدیده خشونت نیز مرتبط است. حدود یک چهارم ازدواج ها حداقل در یک مقطع با تهاجم فیزیکی بین فردی روبرو می شوند. خشونت تقریباً همیشه با آشفتگی رابطه ارتباط دارد. این خشونت اغلب اوقات به صورت پرتاب اشیا، هل دادن، سیلی زدن و پرتاب کردن می باشد. میزان خشونت اوایل رابطه یکی از پیش بینی کننده های مهم شکست در ازدواج است (شیری، ۱۳۸۷).

به طور کلی تعارض در هر رابطه نزدیکی اجتناب ناپذیر است. بعضی از زوجین تعارض خود را به شکل باز و مستقیم و بعضی دیگر تعارض شان را انکار و سرکوب می کنند و به شکل پنهانی بروز می دهند. تقریباً هر زوجی که برای درمان می آید در مرحله ای از تعارض قرار دارد. آنها ممکن است موضوعات مختلفی مثل انتظارات، نیازها، خواسته ها، پول، ارتباط جنسی، بچه ها و خویشاوندان را برای تعارض شان عنوان کنند (ویکزوتريت، ۲۰۰۵).

شدت تعارض موجب بروز نفاق و پر خاشگری و ستیزه جویی و سرانجام اضمحلال و زوال خانواده می گردد. کانون خانواده ای که بر اثر تعارض، نفاق و جدال بین زن و شوهر آشفتگی است آثار مخربی در حیات کودکی فرزندان و خانواده به جای می گذارد که در سالهای آتی به صورت عصیان و سرکشی از مقررات اجتماعی بروز پیدا می کند (کیوچینگ^۲، ۱۹۹۶ به نقل از فرحبخش ۱۳۸۵).

بر این اساس ساختار یک خانواده متعادل بر پایه روابط زناشویی صحیح استوار است. یکی از عوامل مهم در استحکام این رابطه، سبک دلبستگی زوجین است. در این رابطه جان بالبی^۳ معتقد بود که «نظریه دلبستگی» فقط نظریه تحول کودک نیست بلکه نظریه تحول در «گستره حیات» نیز هست (مظاهری ۱۳۷۹ به نقل از اصغری نژاد و دانش ۱۳۸۹).

به طور کلی دلبستگی را می توان جو هیجانی حاکم بر روابط کودک با مراقبش تعریف کرد. این که کودک مراقب خود را که معمولاً مادر اوست می جوید و به او می چسبد، مویده وجود دلبستگی میان آنها است. بالبی معتقد است که یک شخص برای رشد سالم نیاز به پیوند عاطفی دارد. احساس امنیت در کودک پایه ای برای سلامت روانی وی می باشد. به نظر بالبی رابطه ناایمن موجب بی اعتمادی، مشکل در هماهنگی و حساس بودن و نارضایتی هیجانی در روابط عاشقانه می شود (سریواستاوا و بیر^۴، ۲۰۰۸).

^۱- Halford

^۲-kiu- ching

^۳- Bowlby, J

^۴-Srivastava&Beer

بالبی (۱۹۹۶) معتقد است که ماهیت رابطه صمیمی اول (مادر- نوزاد) ، ماهیت روابط صمیمی یک فرد را در سرتاسر زندگی تعیین می کند. نظریه دلبستگی بر این باور است که دلبستگی پیوندی جهانی شمول است و در تمام انسان ها وجود دارد. بدین معنی که انسان ها تحت تاثیر پیوند های دلبستگی شان هستند (صفرزاده خوشابی ، ۱۳۸۶).

طرفداران این نظریه معتقدند به احتمال زیاد سبک دلبستگی کودک بر اساس الگوهای عملی درونی از خود و چهره دلبستگی تا بزرگسالی ادامه دارد و در روابط بزرگسالی فرد منعکس می گردد. در بزرگسالی نیز سه سبک دلبستگی ایمن^۱ ، اجتنابی^۲ و دوسوگرا^۳، مشخص شده است (فینی^۴ ، ۲۰۰۵).

روابط دلبستگی نقش بسیار مهمی در احساس امنیت ما دارند. برای کودکان این رابطه ابتدا با والدین برقرار می شود ، در بزرگسالی دلبستگی با زوج برقراری گردد (ویس^۵ ، ۱۹۹۴ به نقل از فیض آبادی ، ۱۳۸۶).

بالبی معتقد است که گره های هیجانی متقابل که به نزدیکی مادر و کودک منجر می شود نخستین تجلیات دلبستگی محسوب می شوند . دلبستگی نگهدارنده ، نزدیکی متقابل بین دو فرد در تمام مراحل زندگی است (خانجانی ، ۱۳۸۴).

همچنین علاوه بر سبک های دلبستگی برخی از عوامل جمعیت شناختی نیز در شکل گیری تعارضات زناشویی و پدیده طلاق نقش دارند. این عوامل جمعیت شناختی به شکل گیری فضایی خاص در هر طبقه منجر می شود که درون آن فضا ، رفتار انسانها شکل خاصی می یابد . این شرایط معیشتی و وضعیت مالی خانواده ، برواکنش اعضا و پیوند های خانوادگی تاثیر اجتناب ناپذیری دارد(ساروخانی، ۱۳۹۱).

همچنین هر مقطع تحصیلی، شأن اجتماعی خاصی پدید می آورد و به طور طبیعی انسانها نیز در گزینش همسر، آن را معیار مهمی می دانند. هر مقطع تحصیلی ، فضای فکری و حتی جهان بینی خاصی پدید می آورد که بر سلیقه ها و اندیشه های زوج ها موثر است . معمولاً با افزایش سطح تحصیلات انسان ها نسبت به مسائل حساس تر و دقیق تر می شوند. به عبارتی سواد مانند یک عامل آگاهی بخش عمل می کند که باعث می شود انسانها نسبت به مسائل دیگران آگاه تر شوند و قدرت

¹-secure

²- avoidant

³ambivalent-

⁴-Feeney

⁵ - weiss

درک بیشتری پیدا کنند. در صورت نامتوازن بودن سطح تحصیلات، فردی که از لحاظ سطح تحصیلی برتری دارد امتیازات دیگری در طرف مقابل برای جبران آن طلب می کند (احمدی و رئیس پور، ۱۳۸۷).

همچنین در مورد سن، هر چه سن ازدواج پایین تر باشد، احتمال از هم گسیختگی خانواده بیشتری شود. زیرا در سنین پایین افراد از قابلیت های لازم برای ایفای نقش همسری بی بهره اند. در عین حال ازدواج در سنین بالا بسیار خطر طلاق را افزایش می دهد (میراحمدی زاده، طباطبائی، شفیعیان، ۱۳۸۲).

همچنین در زمینه مشکلات زناشویی زوجین در برهه های مختلف زندگی، تحقیقات نشان داده اند که این مشکلات در دوران میانسالی از شدت بیشتری برخوردارند. زیرا زوج هایی که در سنین میانسالی هستند با تعدادی انتقال های مهم و منحصر به فرد مواجه می شوند که بر مشکلات آنها اثر می گذارد. نتایج تحقیقات هنری و میلر^۱ (۲۰۰۴) در زمینه تعارضات زناشویی در میانه عمر نشان می دهد که رایج ترین مشکلات در سنین میانسالی زوجین عبارت است از موضوعات مالی (۲۷ درصد)، موضوعات جنسی (۲۳/۸ درصد)، شیوه های برخورد با کودکان (۲۳/۶ درصد)، صمیمیت عاطفی (۱۸/۷ درصد)، تمیز کردن منزل (۱۸ درصد) و ارتباط (۱۵/۳ درصد).

همچنین درآمد کم و ناامنی شغلی با تعارضات زناشویی بالا همراه است. هنگامی که زوجین دائماً در مورد پول نگرانی داشته باشند، تعارضات زناشویی بیشتر خواهد شد (سایپینگتون^۲، ترجمه حسین شاهی برواتی، ۱۳۹۰).

به همین منوال هر قدر در سطوح قشر بندی اجتماعی پایین تر باییم، میزان طلاق رو به افزایش می گذارد ولی بالعکس، میزان طلاق در بین گروه های دارای منزلت حرفه ای و فنی کمتر است (بنی جمالی، نفیسی و یزدی، ۱۳۸۳).

از طرف دیگر بیکاری نیز یکی از عوامل پیش بینی کننده طلاق است (کرو و ریدلی^۳، ترجمه موسوی، ۱۳۸۴).

همچنین بوون^۴ اظهار می کند که هر چه یک ازدواج به نحو بهتری جایگاه فرد را در دوران کودکی بازنمایی کند، احتمال موفقیت در آن بیشتر خواهد بود؛ مثلاً فرزند اول ازدواج خوبی با فرزند دوم

^۱- Henry & Miller

^۲-sappington

^۳-Crowe& Ridley

^۴-Bowen

خواهد داشت و کوچکترین فرزند باید با بزرگترین فرزند ازدواج کند. بوون می دانست که الگوهای تعاملی میان زوجین می تواند با جایگاه هریک از طرفین در خانواده مبداء خودش ارتباط داشته باشد، چرا که ترتیب تولد در بسیاری از مواقع می تواند نقش ها و کارکردهای موجود در نظام عاطفی خانواده را پیش بینی کند. (کر،^۱ ۱۹۸۱؛ به نقل از گلدنبرک و گلدنبرک، ترجمه حسین شاهی برواتی، نقشبندی، ارجمند، ۱۳۸۹).

از آنجایی که بروز تعارضات زناشویی یکی از مقدمات جدایی و طلاق می باشد و اگر این مساله به گونه ای حل و کنترل نشود ازدواج به جدایی ختم می شود، روانشناسان و مشاوران باید درصدد ارائه راه کارهایی جهت پیشگیری و درمان آن باشند. بنابراین در این پژوهش به این موضوع که آیا متغیرهای جمعیت شناختی (سن، تحصیلات) نقش واسطه را در بین سبک های دلبستگی با تعارضات زناشویی دارد یا خیر، پرداخته خواهد شد.

اهمیت و ضرورت پژوهش

درده های گذشته این پرسش که چگونه ازدواج شکل می گیرد و کدام عامل ها بر شکست یا موفقیت آن تاثیر می گذارند، پژوهش های روان شناختی بسیاری را برانگیخته است. از آنجا که ازدواج مقدس ترین و پیچیده ترین رابطه میان دو انسان از دو جنس مخالف است و ابعاد وسیع و عمیق و هدف های متعددی دارد، بی شک نابهنجاری عاطفی و اجتماعی که از تاثیر خانواده فارغ باشد وجود ندارد. افلاطون می گوید: برای آنکه یک جمهوری خوب سازمان یابد باید قوانین اصلی آن قوانینی باشد که روابط زناشویی را سامان بخشد (خسروی، بلیاد، ناهیدپور، آزادی، ۱۳۹۰).

یکی از مشکلات شایع موجود که موجب بروز عدم تعادل در سیستم خانوادگی می گردد و مورد توجه ویژه روانشناسان و مشاوران خانواده قرار می گیرد بروز تعارضات زناشویی است. این مشکل ممکن است اشکال گوناگون داشته باشد و به صورت افسردگی یکی یا هر دو زوج، اعتیاد، رشد رفتار اختلال آمیز بین فرزندان، سوء رفتار با همسر و درگیری های لفظی و فیزیکی بین هر دو زوج بروز نموده و نهایتاً منجر به طلاق گردد (شیری، ۱۳۸۷).

افزایش تعارضات روزافزون زناشویی در دنیای معاصره دلایل گوناگون خود و همچنین خطر بروز جدایی و اثرات منفی و بلند مدت آن بر سلامت روانی خانواده موجب شده است که مشاوران و روان شناسان خانواده نظریه ها و طرح هایی را برای کمک به خانواده دچار تعارض و در حال طلاق ارائه دهند. در زمینه زوج درمانی و مداخله در خانواده انواع الگوهای عملی بر اساس دیدگاه ها و نظریات

¹-Kerr